

## بررسی وضعیت خانوادگی دختران فراری با تاکید بر سوءاستفاده از آنان

صغری ابراهیمی قوام<sup>۱</sup> و متین خطیب‌زاده<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۲۹

### چکیده

زمینه و هدف: در صورت ایجاد تنش، دگرگونی و سردی روابط بین اعضاء خانواده و ارضاء نشدن نیازهای نوجوانان، ممکن است آن‌ها به رفتارهای نابهنجار از آن جمله فرار دست زنند. فرار نوجوانان یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی تلقی می‌گردد. هدف این مطالعه بررسی وضعیت خانوادگی دختران فراری با تاکید بر سوءاستفاده بوده است.

روش: این پژوهش، از نوع پیمایشی است. نمونه مورد مطالعه از ۳۳ نفر از دختران فراری ۱۵-۲۰ سال تشکیل شده است که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق‌ساخته می‌باشد که بر حسب وقوع، نوع، شدت و فراوانی هر یک از انواع سوءاستفاده طبقه‌بندی گردیده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی و آمار استنباطی (آماره t تک‌نمونه‌ای) استفاده گردید.

یافته‌ها: سوءاستفاده‌های جنسی، جسمی و هیجانی در بین دختران فراری مشاهده می‌شود. نتیجه‌گیری: عدم توجه و بی‌احترامی، آزار و اذیت و انواع سوءاستفاده از آنان، محدودیت و محرومیت شدید، سردی روابط و کم‌محبتی، تبعیض قائل‌شدن و آشفتگی خانواده از عوامل فرار دختران ذکر شده است.

کلیدواژه‌ها: وضعیت خانوادگی، فرار دختران، سوءاستفاده جنسی، سوءاستفاده جسمی، سوءاستفاده هیجانی.

۱. استادیار روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران  
[qavam2005@yahoo.com](mailto:qavam2005@yahoo.com)

۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

## مقدمه

خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین کانون رشد و تربیت نوجوانان، اهمیت فوق‌العاده‌ای در شکل‌گیری و تکامل رفتاری دارد. مطالعات بسیاری نشان می‌دهد نوجوانانی که تجربه‌های کودکی خود را در محیط‌های نامساعد خانوادگی کسب کرده‌اند، دگرگونی‌های رفتاری و نابهنجاری‌های اجتماعی را در دوران رشد بعدی خود نشان داده‌اند. در این دوره، نوجوانان نیازهای گوناگونی از قبیل کسب هویت، درک ارزش وجودی خویشتن، خودآگاهی، استقلال عاطفی از خانواده، برقراری روابط سالم با دیگران و کسب مهارت‌های لازم در دوست‌یابی را دارند (شعاری‌نژاد به‌نقل از حسینیان، ۱۳۸۱). تامین این گونه نیازها در محیط خانوادگی گرم و ارضاءکننده صورت می‌گیرد و در حقیقت خانواده، تامین‌کننده سلامت روانی نوجوانان است. اگر محیط خانواده دستخوش تنش، دگرگونی و سردی روابط بین اعضاء گردد و نیازهای نوجوانان ارضاء نشود دست به رفتارهای نابهنجار و از آن جمله فرار می‌زنند. فرار نوجوانان یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی تلقی می‌گردد. بدین معنی که نوجوانان فراری نه تنها به خود بلکه به نوعی نیز به جامعه آسیب می‌رسانند (حسینیان و کولائی، ۱۳۸۱).

از جمله عواملی که می‌تواند زمینه‌ساز فرار در کودکان و نوجوانان گردد، سوءاستفاده از کودکان و نوجوانان است. اکثر سوءاستفاده و آزارها در خانواده از سوی والدین اعمال می‌شود که بررسی عوامل خانوادگی در سبب‌شناسی آزار اهمیت ویژه‌ای دارد و مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از: فقدان مهارت‌های کافی والدین، تحصیلات والدین، سابقه محکومیت یا سوءپیشینه در خانواده، تک‌والدی بودن خانواده، وجود تعارض و ارتباطات مختل در خانواده، سابقه اعتیاد در خانواده، سابقه بیماری روانی یا جسمی در خانواده (صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، ۱۳۸۶).

**بیان مسئله:** یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی که نه تنها خانواده‌ها بلکه کارشناسان اجتماعی را به خود معطوف ساخته، روند رو به رشد فرار دختران از کانون خانواده است. ارائه آمارهای رو به افزایش در رسانه‌ها و رویت به وضوح این دختران در معابر عمومی، بر نگرانی‌ها بیش از پیش دامن می‌زند و تبعات منفی آن به عنوان یک عارضه و آسیب اجتماعی تأثیر بسیار نامطلوبی بر جامعه می‌گذارد (جوادی‌یگانه و فروع‌الدین عدل، ۱۳۸۴).

به اعتقاد اکثر روان‌شناسان و جامعه‌شناسان ریشه اصلی آسیب‌های اجتماعی، از جمله فرار نوجوانان به خانواده بر می‌گردد؛ یعنی آشفتگی و نابسامانی محیط خانوادگی؛ زیرا خانواده به عنوان کوچک‌ترین اجتماع بشری ساختاری دارد که عناصر درون آن به‌شدت به هم وابسته‌اند و اگر در این سیستم مشکلی

ایجاد شود حتی در گوشه‌ای از آن، کل سیستم را دگرگون خواهد ساخت.

به دلیل فقدان مرکزی برای ارائه اطلاعات جامع، ارائه آمار دقیق از میزان شیوع سوءاستفاده و کودک‌آزاری در ایران ممکن نیست. آمارهای به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۳ سوءاستفاده جسمی با ۷۰/۶٪ بیشترین میزان سوءاستفاده و پس از آن کودک‌آزاری روحی و عاطفی ۲۸/۴٪ در مرتبه دوم انواع کودک‌آزاری و سوءاستفاده در ایران قرار دارد. مطابق گزارش سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۸۴، تعداد ۹۶۰ کودک آزاردیده تحت پوشش و پیگیری توسط کارشناسان مراکز مداخله در بحران (اورژانس اجتماعی) قرار گرفته و در ۶ ماهه اول سال ۱۳۸۵، تعداد ۷۹۴ مورد سوءاستفاده گزارش شده و به وسیله این سازمان تحت پیگیری و پوشش قرار گرفته‌اند (شورای اجتماعی کشور، ۱۳۸۶). با توجه به افزایش آمار سوءاستفاده از کودکان و نوجوانان و نیز ارتباط این پدیده با ترک منزل توسط آن‌ها، ضروری است که به این مسئله با نگاهی عمیق‌تر بنگریم.

مهار و کنترل پدیده فرار از منزل مانند هر معضل اجتماعی دیگر مستلزم داشتن اطلاعات صحیح و کافی از جنبه‌های کمی و کیفی این پدیده می‌باشد و با توجه به تحقیقات محدودی که در این حوزه چه در داخل و چه در خارج از کشور انجام شده است ضروری است که در پرتو انجام پژوهش علمی، به شناختی درست از عوامل زمینه‌ساز این پدیده نائل آییم.

مبانی نظری تحقیق: در این پژوهش از نظریات مختلفی استفاده شده است.

□ نظریه رانده شدن: نظریه رانده‌شده<sup>۱</sup> توسط فن درپلوگ<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) بعد از بررسی مطالعات متعددی که بر روی فرار نوجوانان صورت گرفته، ارائه شده است. در اغلب این تحقیقات مشاهده می‌شود که فرار، فرایند مرحله به مرحله است و نوجوانان و جوانان بعد از طی مراحل مختلف بدان اقدام می‌کنند. خانواده در این مورد نقش اساسی دارد، زیرا از یک سو واجد تضاد، درگیری، کودک‌آزاری، پرخاشگری و کشمکش است و از سوی دیگر در آن، فرزندان از حمایت احساسی و اجتماعی و امنیت اساسی برخوردار نیستند. در مورد چگونگی پرورش کودکان اهمیت ابعاد «وابستگی بین والدین و فرزندان» و «راهنمای رفتاری» در خانواده که بچه‌ها آن را از والدین خود اخذ می‌کنند حائز اهمیت است. هر یک از این ابعاد دارای دو قطب است:

۱. بعد وابستگی احساسی بین والدین و فرزندان که دارای قطب‌های پذیرش و طرد است.

۲. بعد راهنمای رفتاری که آن نیز دارای دو قطب کنترل و فردمداری است.

تحقیقات صورت گرفته بر روی جوانان فراری نشان داده است که قطب‌های منفی هر یک از این

1. push out  
2. Fen der Plog

ابعاد، قویا در خانواده جوانان مذکور یافت می‌شود؛ به طوری که طرد، غفلت و کنترل پرخاشگرایانه والدین نسبت به فرزندان در خانواده این جوانان قبل از آنکه فراری شوند مشاهده می‌شود. اینگونه رفتارهای آسیب‌زای پرورشی مرتبط با دیگر مسائل خانواده مثل امکانات نامطلوب، فقر، اعتیاد والدین، انزوای اجتماعی و بحران‌های خانوادگی غیرقابل کنترل، طلاق، خشونت، کودک‌آزاری و غفلت در خانواده است. این وضعیت نامطلوب در خانواده منجر به آن می‌شود که بچه‌ها از خانواده طرد شوند و نهایتاً از خانه بیرون انداخته شوند (فن در پلوگ به نقل از جوادی‌یگانه و فروع‌الدین عدل، ۱۳۸۴).

□ نظریه دلبستگی: نظریه دلبستگی<sup>۱</sup> با رویکردهای روان‌شناسانه به تبیین علت فرار و بی‌خانمانی می‌پردازد. از نظر این دیدگاه، طرح‌های شناختی که در کودکان شکل می‌گیرد احساس دلبستگی افراد با دیگران را تنظیم می‌نماید. به طوری که این تصاویر دلبستگی اولیه در دوران‌های مختلف زندگی در شکل‌دادن دلبستگی افراد با دیگران همواره مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحقیقات زیادی نشان می‌دهد نوجوانان و جوانان فراری دارای چنین گذشته‌ای هستند که در آنان بارها فقدان دلبستگی با دیگران را تجربه کردند (تاوچیو<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۸ به نقل از ریحانی، ۱۳۸۸).

از نظر استیرلین<sup>۳</sup> (۱۹۸۰)، این خانواده‌ها بچه‌ها را قبل از آنکه از نظر مراحل رشد آمادگی داشته باشند برون می‌رانند. در این سیستم عمدتاً والدین به مسائل خود مشغول‌اند یا تعارضات زناشویی خود را دنبال می‌کنند چنان که این مسائل آن‌ها را از نیازهای کودکان غافل گردانده است و آن‌ها را مورد طرد قرار می‌دهد. در این دیدگاه، فرار به منزله نشانه وجود مشکل در خانواده است که در آن عمدتاً ساختار موجود در خانواده فرایندهای پرورشی و رشد مطلوب را برای جوانان مهیا نمی‌سازد (کرسپی و ساباتلی، ۱۹۹۶).

□ رویکرد انگیزشی و شخصیتی: شارلین و موربارک<sup>۵</sup> پدیده فرار دختران را از دو دیدگاه نظری مورد بررسی قرار می‌دهند: الف) رویکرد انگیزشی؛ ب) رویکرد شخصیتی. رویکرد نخست انگیزه‌های فرار را شرح می‌دهد. در حالی که رویکرد دوم این تصویر را با اضافه کردن خصوصیات شخصیتی دختران فراری همراه می‌کند. بر پایه رویکرد انگیزشی، رفتار انسان را اهدافی تعیین می‌کنند که برای رسیدن به نیازهای روان‌شناختی، فیزیولوژیک و اجتماعی استفاده می‌شوند و همچنین با اجتناب و گرایش به طرف یک موضوع برانگیخته می‌شوند (شارلین و موربارک<sup>۶</sup> به نقل از حقیقت‌دوست، ۱۳۸۱).

1. attachment theory
2. Tau Chio et al.
3. Stirlin
4. Cerspi & Sabatli
5. Sharlin & Morbark
6. SHarlin & Morbark

هامر<sup>۱</sup> (۱۹۷۳) برای کاربرد این رویکرد در باب دختران فراری، انگیزه آغاز را به دو دسته تقسیم می‌کند: الف) فرار از جدال‌های خانوادگی، آزار و طرد از مدرسه؛ ب) فرار برای برقراری روابط عاشقانه. به عقیده وی دسته اول دخترانی هستند که نمی‌توانند درگیری‌های بین فردی و مسائل خانوادگی خود را حل کنند و خشم زیادی را از طرف یک یا چند تن از اعضای خانواده حس می‌کنند و به همین علت محیط خانواده را ترک می‌کنند. در حالی که دسته دوم جوینده‌های خوشی هستند و به سمت افراد یا مکان‌هایی فرار می‌کنند که امکانات لازم برای انجام فعالیت ممنوع در خانه را برای آن‌ها فراهم می‌کنند (مثل فعالیت جنسی، مصرف مواد مخدر، الکل و غیره). رویکرد شخصیتی برای توضیح پدیده فرار، بر روی تسلط بیرونی و درونی متمرکز است. به اعتقاد لونتال<sup>۲</sup> احساس نداشتن تسلط در بین نوجوانان، باعث تمایل آن‌ها به انجام رفتارهای مبین احساس ناامیدی، مثل فرار از خانه می‌شود (کاگان، کانتز<sup>۳</sup> به نقل از حقیقت‌دوست، ۱۳۸۱).

□ نظریه وابستگی اجتماعی: شافنر<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) در نظریه وابستگی اجتماعی بیان می‌کند که انحراف در نوجوانان زمانی روی می‌دهد که اتصالات یا وابستگی‌های روحی، عاطفی و روان‌شناختی نوجوان با جامعه ضعیف یا قطع شده باشد. انیل<sup>۵</sup> نیز نظریه تعهد را برای بیان ارتباطی که باید در یک خانواده وجود داشته باشد، پیشنهاد می‌کند. در واقع در بحث فرار از منزل تعهد اجتماعی شکسته شده است اما علی‌رغم این ازهم‌گسیختگی به نظر می‌رسد نوجوانان در برابر فرار از منزل مقاومت می‌کنند و فرار آخرین انتخاب برای آنان است. به عبارت دیگر، آن‌ها سعی می‌کنند از منزل فرار نکنند، به همین دلیل در مقابل خشونت یا نزاع والدینشان پاسخ نمی‌دهند و سعی می‌کنند قوانین خانواده را زیر پا نگذارند. آن‌ها با تصمیم به فرار در کشمکش هستند و ترجیح می‌دهند چارچوب خانواده را حفظ نمایند. امرسون<sup>۶</sup> در بیان موضوع پاسخ‌های آخرین پناه اظهار می‌کند که این پاسخ‌ها زمانی روی می‌دهد که فرد از تمام راه‌حل‌های ممکن خسته و ناامید شده است. ازهم‌گسیختگی خانواده نقش مهمی را در بروز رفتار فرار از منزل ایفا می‌کند و در خانواده ازهم‌گسیخته فرزندان در جست‌وجوی فرد یا محلی هستند که احساس امنیت نمایند. نیازی که در بسیاری از فراریان دیده می‌شود، ارتباط عاطفی، امنیت فیزیکی، تشویق و حمایت روانی است، چیزی که سخت به آن نیاز

1. Hamer

2. Lontal

3. Kagan & Kantez

4. Shafner

5. Oniel

6. Emerson

دارند و خلاء آن را در خانواده‌شان احساس کرده‌اند و به عبارت دیگر فرار تنها راه برای جست‌وجوی ارتباط است (شافنر به نقل از ریحانی، ۱۳۸۸).

پیشینه تجربی پژوهش: رستم‌خانی (۱۳۸۷) به این نتایج دست یافت که دختران فراری متعلق به خانواده‌هایی بوده‌اند که مادر خود را در قالب «محبت مشروط» که نوعی از سوگیری‌های ناسالم است می‌دیدند. و تحت تأثیر مشکلات روانی، اجتماعی و اقتصادی با فرزندان دختر خود رفتار می‌کردند و در این خانواده‌ها پدر نماد قدرت بوده است که با استفاده از قدرت جسمی و مشروعیت قانونی و عرفی خود در جامعه به سلطه‌جویی علیه دختران دست زده و با فحاشی، هتک حرمت، ضرب و جرح دختران در خانه و استفاده از برچسب‌ها و ارزیابی‌های منفی از توانایی‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی دختران موجب شده‌اند که دختران در خانواده احساس آرامش و امنیت نکنند و به دنبال جایگزین مناسب برای پدر به ایجاد رابطه با جنس مخالف گرایش پیدا کنند در صورتی که دختران غیرفراری به دلیل برخورداری روابط سالم در خانواده سوگیری منش آن‌ها متمایل به خود شکوفایی و تعادل روانی بوده است.

بهرامی و طاهبازحسین‌زاده (۱۳۸۵) در تحقیق خود در مورد دختران فراری نشان داده‌اند که کودک‌آزاری جسمی و عاطفی مهم‌ترین علت فرار دختران از خانه بوده است.

زرگر، پورکمالی، مرادی و زرگر (۱۳۸۵) در پژوهشی انجام شده در شهر اصفهان به این نتایج دست یافتند که خانواده دختران فراری در ابعاد جامعه‌پذیری، آرمان خانواده، پیوستگی، ابراز وجود (بیانگری)، تعارض، منبع کنترل بیرونی، سبک‌های تربیتی آزادمنش، بی‌قیدوبند و مستبد عملکرد ضعیف‌تری نسبت به دختران غیرفراری داشته‌اند. و با ویژگی‌هایی چون عدم نزدیکی عاطفی، تحت کنترل ندیدن رویدادها، تعاملات همراه با ضدیت اعضای خانواده، قوانین محدود یا سفت و سخت خانوادگی، مشارکت ضعیف اعضا در تصمیم‌گیری‌ها، عدم ابراز آزادانه احساسات و افکار مشخص می‌شوند.

حمیدی (۱۳۸۳) در پژوهشی تأثیر ساخت خانواده بر فرار دختران از منزل را مورد بررسی قرار داد نشان می‌دهد: مسائلی چون عدم تفاهم و ناسازگاری بین والدین، پرجمعیت بودن اعضای خانواده، پایین بودن سطح تحصیلات والدین، ارتباطات سرد و خصمانه توأم با ترس شدید بین اعضای خانواده، وجود تنبیه و فقدان تشویق در طول دوران درمان، وابستگی به مواد مخدر و سابقه حبس در بین اعضای خانواده دختران فراری از جمله مشکلات دوران درمان آن‌ها به شمار می‌رود.

استاین، میلبرن، زین و رادرام-بروس<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) دریافتند که اگر پدر رفتاری سازنده و قاطع داشته

1. Stein, Milburn, Zane & Rotheram-Borus

باشد و مادر بتواند طبق چهارچوب مفهومی نظریه دل‌بستگی احساس امنیت و آرامش را در فرزند خود ایجاد کند، مشکلات رفتاریهایی نظیر سوء مصرف مواد، ارتباطات جنسی، هیجان‌های خطرناک و بزهکاری در فرزندانشان کاهش می‌یابد.

در تحقیق کونگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در خصوص پدیده فرار نوجوانان و جوانان در سنگاپور مهم‌ترین عامل را در خانه، خانواده و محیط و گاهی نگرش و هویت‌یابی فرد در برخورد با مشکلاتی نظیر خشونت می‌داند. الفیفی<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) خشونت و آزار خانگی را مهم‌ترین عامل معرفی می‌کند و نقش مادر در خانواده را بسیار مهم می‌داند. اگر مادر با بحران‌های دوران نوجوانی دختر خود آشنا باشد و رفتار صحیح با او را بداند احساس امنیت ایجاد شده از طرف مادر از فرار دختر از منزل جلوگیری می‌کند. آنا تاجارود و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) در خصوص نگره‌داری ۲۰۰ دختر فراری در مکانی در هند می‌نویسد که علت اصلی فرار دختران از منزل، آزار جسمی، جنسی و مسامحه و غفلت والدین یا برادر می‌باشد. این تحقیق در صدد پاسخگویی به این سوال است که: ۱- وضعیت خانوادگی دختران فراری چگونه است؟ ۲- میزان سوء استفاده جنسی، جسمی و هیجانی در دختران فراری چگونه است؟

## روش

این پژوهش از نوع پیمایشی است. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس از کلیه دختران نوجوان فراری از منزل ۱۵ تا ۲۰ سال در سال ۱۳۹۱-۱۳۹۰ که در مراکز اسکان موقت تحت پوشش بهزیستی و همچنین کانون اصلاح و تربیت تهران حضور داشته‌اند نمونه‌گیری به عمل آمد و در این پژوهش حجم نمونه به ۳۳ نفر رسید.

از پرسشنامه محقق ساخته برای بررسی سوء استفاده جنسی، بدنی و هیجانی که بر حسب وقوع، نوع، شدت و فراوانی هر یک از انواع سوء استفاده طبقه بندی گردیده است استفاده شد. از آماره‌های توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی و میانگین) و آماره استنباطی (t تک‌نمونه‌ای) برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردید.

## تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم:

□ سوء استفاده: در این پژوهش سوء استفاده به سه دسته جنسی، جسمی و هیجانی تقسیم شده است.

1. Khong
2. Al-Faifi
3. Anataja Rod et al.

□ سوءاستفاده جنسی: <sup>۱</sup> که عبارت است از هرگونه فعالیت جنسی در ارتباط با یک کودک قبل از اینکه به اهلیت قانونی برای اعلام رضایت در خصوص چنین روابطی برسد و این فعالیت‌ها به منظور کسب لذت به وسیله فرد بزرگسال با کودکی که دارای توانایی جنسی است، انجام شود (مدنی، ۱۳۸۳).

□ سوءاستفاده جسمی: <sup>۲</sup> که از آن به عنوان «خشونت فیزیکی» نیز یاد می‌گردد، عبارت است از وارد کردن هر گونه آسیب عمدی آگاهانه به کودک از سوی فرد بالغ (نقوی، فاتحی‌زاده و عابدی، ۱۳۸۴). و شامل ضربات چندانگانه چون بریدگی‌ها و شکستگی‌ها، سوختگی، خون‌مردگی یا نشانه‌هایی از اثرات انگشتان می‌باشد.

□ سوءاستفاده هیجانی: سوءاستفاده هیجانی <sup>۳</sup> از کودکان شامل بدرفتاری و غفلت عاطفی از کودکان است و تلاش آگاهانه‌ای برای از بین بردن اعتماد به نفس کودک محسوب می‌گردد (توکل و کریمی، ۱۳۸۴) و طرد، محرومیت عاطفی یا عدم تحریک شناختی، انتقاد، تهدید، تحقیر، تهمت و یا انتظارات نامناسب از کودک را شامل می‌گردد.

□ فرار: در لغت به معنای گریز و ترک محیطی است که دست‌یافتن به تمایلات، نیازها و خواسته‌های فرد در آن محیط غیرممکن است (زواره‌ای، ۱۳۸۰) و دختران فراری، دخترانی هستند که حداقل یک بار اقدام به فرار از منزل و ترک کامل آن کرده‌اند و غیبت آن‌ها از منزل حداقل یک شب و یا بیشتر بوده و در حال حاضر مستقر در مراکز نگهداری ویژه بهزیستی می‌باشند (شاکری‌سیاوشانی، ۱۳۸۶).

□ وضعیت خانوادگی: در این تحقیق منظور از وضعیت خانوادگی پایگاه اقتصادی - اجتماعی، وضعیت زناشویی، شرایط زندگی و میزان نابسامانی در خانواده است.

## یافته‌ها

### ۱- وضعیت خانوادگی دختران فراری چگونه است؟

بیشتر افراد نمونه بین ۱۴ تا ۱۷ سال سن داشتند، ۱۴ نفر دارای مدرک دیپلم، ۱۲ نفر سیکل و ۴ نفر نیز تا پنجم ابتدایی به تحصیل پرداخته‌اند و ۳ نفر از آن‌ها بی‌سواد بوده‌اند.

1. Sexual Abuse  
2. physical abuse  
3. emotional abuse -



## جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد دلیل فرار بیان شده آزمودنی‌ها

درصد	فراوانی	دلیل فرار بیان شده
۲۴/۲	۸	فرار به خاطر دوست پسر
۲۱/۲	۷	اعتیاد والدین
۱۵/۱	۵	فقر اقتصادی
۱۵/۱	۵	اختلاف پدر و مادر
۱۲/۱	۴	دوستان ناباب
۶/۰۶	۲	رابطه نامشروع با دیگران
۶/۰۶	۲	ضرب و شتم توسط والدین
۱۰۰	۳۳	جمع

همان‌طور که در جدول ۱ نشان می‌دهد دلیل فرار ۸ نفر از به خاطر دوست پسر، ۷ نفر به خاطر اعتیاد والدین، ۵ نفر به خاطر فقر اقتصادی و ۵ نفر نیز به خاطر اختلاف پدر و مادر بوده است.

## جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد محل زندگی در زمان فرار آزمودنی‌ها

درصد	فراوانی	محل زندگی در زمان فرار
۶۰/۶	۲۰	خانه دوست پسر
۲۱/۲	۷	منزل دوستان هم جنس
۱۸/۱	۶	منزل فامیل
۱۰۰	۳۳	جمع

جدول ۲ نشان می‌دهد که ۲۰ نفر از این دختران در این مدت در منزل دوست پسر خود، ۷ نفر در منزل دوستان هم جنس خود و ۶ نفر نیز در منزل اقوام بوده اند.

## جدول ۳. توزیع فراوانی و درصد نحوه امرارمعاش آزمودنی‌ها

درصد	فراوانی	نحوه امرارمعاش
۶۰/۶	۲۰	دزدی
۱۸/۱	۶	خودفروشی
۱۸/۱	۶	کمک‌های دوستان پسر
۳/۰۳	۱	سرقت قبلی از والدین
۱۰۰	۳۳	جمع

بر اساس جدول ۳، برای امرار معاش ۲۰ نفر از طریق دزدی، ۶ نفر از طریق خودفروشی و ۶ نفر از آن‌ها از کمک‌های دوستان پسر خود بهره می‌گرفتند. همچنین ۱ نفر نیز از والدین خود دزدی می‌کرده است.

جدول ۴. توزیع فراوانی و درصد وضعیت زندگی با والدین قبل از فرار آزمودنی‌ها

درصد	فراوانی	وضعیت زندگی با والدین قبل از فرار
۳/۰۳	۱	زندگی کردن با پدر تنها
۲۷/۲	۹	زندگی کردن با مادر تنها
۴۸/۴	۱۶	زندگی کردن با هر دو والد
۲۱/۲	۷	زندگی کردن بدون آن‌ها
۱۰۰	۳۳	کل

نتایج جدول ۴ نشان‌دهنده این است که ۱۶ نفر با هر دو والد، ۹ نفر فقط با مادر خود، ۱ نفر از آن‌ها نیز با پدرشان و ۷ نفر نیز به تنهایی زندگی می‌کردند.

جدول ۵. توزیع فراوانی و درصد وضعیت طلاق والدین آزمودنی‌ها

درصد	فراوانی	وضعیت طلاق والدین
۲۴/۲	۸	ترک زندگی مشترک از سوی مادر
۳۶/۳	۱۲	ترک زندگی مشترک از سوی پدر
۲۴/۲	۸	زندگی با نامادری
۱۵/۱	۵	زندگی با ناپدری
۱۰۰	۳۳	جمع

جدول ۵ نشان می‌دهد که ترک زندگی مشترک از سوی پدر در ۱۲ نفر، و ۸ مورد نیز ترک زندگی مشترک توسط مادر گزارش شده است. همچنین ۸ نفر از این تعداد با نامادری و ۵ نفر نیز با ناپدری زندگی می‌کرده‌اند.

جدول ۶. توصیف متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	تعداد	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف استاندارد
شدت سوءاستفاده عاطفی	۳۳	۸/۰۰	۱۷/۰۰	۱۲/۸۱۸۲	۲/۰۹۸۴۳
شدت سوءاستفاده جسمی	۳۳	۵/۰۰	۱۲/۰۰	۷/۸۷۸۸	۱/۸۳۲۹۹
شدت سوءاستفاده جنسی	۳۳	۳/۰۰	۵/۰۰	۴/۰۹۰۹	۰/۷۶۵۰۰

متغیر شدت سوءاستفاده عاطفی با ۲۴ سؤال، متغیر شدت سوءاستفاده جسمی با ۱۳ سؤال و متغیر شدت سوءاستفاده جنسی با ۵ سؤال اندازه‌گیری شد. برخی سؤالات پرسشنامه به دلیل کیفی بودن از محاسبات حذف گردیدند. با توجه به اینکه اکثر سؤالات پرسشنامه جواب بله یا خیر داشته‌اند، به پاسخ‌های مثبت یک نمره و پاسخ‌های منفی نمره صفر داده شد، ضمن اینکه معدود سؤالاتی که بیش از دو گزینه برای پاسخ‌دهی داشتند به مقیاس صفر و یک تقلیل داده شدند.

نتایج آمار استنباطی: در تحلیل داده‌های این پژوهش از آزمون  $t$  تک‌نمونه‌ای استفاده می‌شود، بدین منظور میزان سوءاستفاده جسمی، جنسی و عاطفی از طریق پرسشنامه محاسبه شده و با حد وسط دامنه نمره‌ای که هر فرد می‌تواند در پرسشنامه داشته باشد مقایسه می‌شود.

۲- میزان سوء استفاده جنسی، جسمی و هیجانی در دختران فراری چگونه است؟

جدول ۷. نتیجه آزمون  $t$  تک‌نمونه‌ای انواع سوءاستفاده

سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار $t$	اختلاف میانگین	میانگین نظری	میانگین مشاهده شده	
۰/۰۰۰۱	۳۲	۴/۳۲۱	۱/۳۷۸۷۹	۶/۵	۷/۸۷	سوءاستفاده جسمی
۰/۰۰۰۱	۳۲	۱۱/۹۴	۱/۵۹۰۹۱	۲/۵	۴/۰۹	سوءاستفاده جنسی
۰/۰۳۲	۳۲	۲/۲۴۰	۰/۸۱۸۱۸	۱۲	۱۲/۸۱	سوءاستفاده هیجانی

مطابق با اطلاعات جدول ۷ نتایج حاصل از آزمون  $t$  تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد تفاوت میانگین مشاهده شده از میانگین نظری در مورد هر یک از انواع سوءاستفاده در سطح خطای کمتر از ۱٪ و به لحاظ آماری معنادار است. بنابراین، می‌توان گفت از نظر نوجوانان دختر شدت سوءاستفاده در فرار آنان از منزل تأثیر دارد.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که سوءاستفاده جسمی، جنسی و هیجانی در فرار دختران از منزل و عدم بازگشت آنان به منزل تأثیر فراوانی دارد و هر چه سوءاستفاده بیشتر احتمال فرار از منزل نیز بیشتر می‌باشد.

## بحث و نتیجه‌گیری

سوءاستفاده جنسی رویدادی خانمان‌برانداز است و همچون ضرب‌وشتم و کتک‌کاری می‌تواند عامل مؤثری

در فرار دختران نوجوان از منزل قلمداد شود. این اتفاق مخرب‌ترین رویداد زندگی فرد است و تأثیر خود را برای همیشه به شکل‌های مختلف نشان می‌دهد. سوءاستفاده جنسی به صورت بسیار شایع توسط پدران، برادران، پدران ناتنی یا برادران ناتنی صورت می‌پذیرد. گفته می‌شود پدرانی که مرتکب تجاوز به دختران خود می‌شوند غالباً خودشان در دوره کودکی، سابقه بهره‌کشی جنسی داشته‌اند. همچنین آن‌ها سابقه محرومیت عاطفی، اختلال‌های شخصیت، سوءمصرف الکل و بیکاری داشته‌اند. عزت نفس پایین و خشم، غالباً آن‌ها را به افراد متجاوز، حتی به اعضای بیچاره در خانواده خود، تبدیل کرده است (طهرانی‌زاده، ۱۳۸۴).

بنا به سوالات تحقیق که وضعیت خانوادگی دختران فراری و تجربه انواع سوءاستفاده جنسی، جسمی و هیجانی در خانواده دختران نوجوان فراری، یافته‌های حاصله حاکی از آن است سوءاستفاده در خانواده عامل مؤثری بر فرار بوده و می‌توان به عنوان یک عامل مؤثر طول مدت فرار را پیش‌بینی نمود. در نتایج به دست آمده از مطالعه‌ای اردلان (۱۳۸۱) جوانان، مسائل ارتباطی را مهم‌ترین علت تضاد و تعارض در خانواده‌هایشان ذکر کرده‌اند؛ به طوری که تعداد کثیری از فراریان در صدد تلاش برای فرار از موقعیتشان هستند که آن را مشکل‌زا می‌بینند و نمی‌توانند و یا مایل نیستند آن را تحمل کنند و این در حالی است که برخی از این نوجوانان از سوی والدین آزاررسان خود از خانه بیرون انداخته شده‌اند.

در واقع، در اکثر خانواده‌هایی با سابقه سوءاستفاده و بدون ساختار مناسب، نوجوانان در عمل استقلال و عدم وابستگی را با فرار تجربه می‌نمایند (جداری‌اقبالی، ۱۳۸۷). اختلافات و مشاجرات خانوادگی، ضرب و شتم و کتک کاری در خانواده، انتقاد از فرزندان زمینه فرار کودکان به ویژه دختران را آماده می‌کند (بیات، ۱۳۸۹). که مهمترین عامل فرار دختران عدم توجه و بی‌احترامی، آزار و اذیت و انواع سوءاستفاده از آنان، محدودیت و محرومیت شدید، سردی روابط و کم‌محبتی، تبعیض قائل شدن و آشفتگی خانواده می‌باشد و این نتیجه با نتایج یافته‌های رستم‌خانی (۱۳۸۷)، بهرامی و طاهباز حسین‌زاده (۱۳۸۵)، حمیدی (۱۳۸۳)، الفیفی (۲۰۰۹) و آنا‌تاجارود (۲۰۰۹) همسو می‌باشد.

سوءاستفاده عاطفی نیز مثل شستشوی مغزی می‌ماند که در آن به‌طور منظم اعتماد به نفس، ارزش شخصی، اعتماد به دریافت‌های شخصی و خودپنداره افراد تخریب می‌شود. سوءاستفاده عاطفی چه به وسیله زخم زبان و تحقیر مداوم انجام گیرد و چه به وسیله تشر زدن یا تحت عنوان «راهنمایی»، «آموزش» و «پند» نتیجه همیشه یکسان است و زخم‌هایی ایجاد می‌کند که عمیق‌تر و مزمن‌تر از جراحات‌های بدنی است (بخشی‌پور رودسری، ۱۳۸۹).

هرچه روابط خانوادگی صمیمی‌تر و عمیق‌تر باشد و همچنین احترام متقابل بین اعضای خانواده حکم‌فرما باشد و در کل خانواده منسجم‌تر باشد، کمتر شاهد پدیده فرار دختران از منزل خواهیم بود. گرچه پدیده خانه‌گریزی دختران در نگاه اول پدیده فردی به نظر می‌رسد، اما با توجه به پیامدهای سوء آن در جامعه، تبدیل به یکی از آسیب‌های اجتماعی جدی در سال‌های اخیر شده است. در طی سال‌های اخیر برای پیشگیری اولیه و ثانویه از این آسیب اجتماعی، مراکز مداخله در بحران‌های اجتماعی زیر نظر سازمان بهزیستی در شهرهای بزرگ ایجاد شده است، که به امر ساماندهی دختران فراری می‌پردازند. بنابراین مسئولین امر می‌بایست پدیده خانه‌گریزی دختران را یک آسیب جدی قلمداد کرده و در جهت کاهش آن اقدامات اساسی انجام دهند (بازیاری میمندی، ۱۳۸۱).

#### پیشنهاد‌های کاربردی:

۱. ارائه آموزش‌های لازم به والدین از طریق رسانه‌های گروهی و توسط روان‌شناسان و مشاوران مجرب در خصوص چگونگی رفتار با فرزندان نوجوان و ایفای نقش یک والد خوب؛
۲. فعالیت‌های بخش نهاد اولیاء و مربیان در مدارس باید علمی، عملی و گسترده و به منظور آگاهی دادن هر چه بیشتر به والدین اجرا شود؛
۳. فراهم نمودن زمینه اشتغال سالم و مناسب برای دخترانی که دوره بازپروری را در مراکز بازپروری سپری کرده‌اند.
۴. از آنجائی که یکی از علل اصلی فرار، آزار و اذیت دختران توسط اعضا خانواده می‌باشد، اولاً آموزش و آگاهی‌های لازم به والدین در خصوص شیوه برخورد مناسب با فرزندان نوجوان و ضرورت توجه به خواسته‌ها و نیازهای آن‌ها داده شود. ثانیاً در جهت برداشتن موانع قانونی که به موجب آن اولیاء از مجازات کودک‌آزاری معاف هستند اقدام گردد. ثالثاً به مددکاران اجتماعی به صورت قانونی اجازه داده شود که در مواقع لازم در خصوص حمایت از کودکان و نوجوانان آزاردیده مداخله و اقدامات لازم را انجام دهند.

#### منابع

##### منابع فارسی:

اردلان، علی (۱۳۸۱). بررسی پدیده فرار دختران از منزل (طرح تحقیقی). تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.  
 بازیاری میمندی، مهتاب (۱۳۸۱). بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی، عوامل تنیدگی‌زا، شیوه‌های مقابله، شرایط اجتماعی اقتصادی دختران فراری و غیرفراری. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم

انسانی، تهران.

بخشی پور رودسری، عباس. (۱۳۸۹). کارشناس مرکز مشاوره دانشگاه تهران.

بهرامی، احسان؛ طاهباز حسینزاده، سحر (۱۳۸۵). مقایسه آزار دیدگی، سلامت روانی و جهت گیری مذهبی در دختران فراری و عادی شهر تهران. مجله روانشناسی و علوم تربیتی، ۳۷(۱)، ۱۳-۱۵۷. بازیابی از <http://journals.ut.ac.ir/page/download-n5DvicsL1T0.artdl>

بیات، مینا (۱۳۸۹). رفتارهای پرخطر در میان دختران و زنان فراری. بازیابی از <http://mentalhealth89.blogfa.com/post/164>

توکل، خسرو؛ کریمی، محبوبه (۱۳۸۴). سوء رفتار در خانواده (نسبت به کودکان، زنان و سالمندان). قم: آفتاب خوبان. جداری اقبالی، مرجان (۱۳۸۷). بررسی رابطه احساس تنهایی و افسردگی در دختران فراری. روان شناسی و علوم تربیتی (اصلاح و تربیت)، شماره ۷۵، ۴۶-۵۱.

جوادی یگانه، محمدرضا؛ فروغالدین عدل، اکبر (۱۳۸۴). مسئله دختران فراری (به سفارش دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی؛ دانشگاه تهران). تهران: طرح آینده.

حسینیان، سیمین؛ خدابخش کولائی، آناهیتا (۱۳۸۲). بررسی سوء استفاده جنسی در دوران کودکی از دختران بر قربانی شدن جنسی و فرار آن‌ها در دوران نوجوانی و جوانی (خلاصه مقالات اولین همایش سراسری خانواده و مشکلات جنسی، ۲۳ و ۲۴ مهر ماه ۱۳۸۲، دانشگاه علوم پزشکی شاهد).

حقیقت دوست، زهرا (۱۳۸۱). عوامل زمینه ساز فرار دختران از خانه. رفاه اجتماعی، ۳(۱۳)، ۲۵۱-۲۶۶. بازیابی از [http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J\\_pdf/62113831311.pdf](http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/62113831311.pdf)

حمیدی، فریده (۱۳۸۳). بررسی ساخت خانواده، سبک دلبستگی در دختران فراری و اثربخشی خانواده درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آن‌ها. (رساله دکترا). دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، تهران. رستم خانی، معصومه (۱۳۸۷). بررسی متقابل سوء گیری کارکرد خانواده با کنش فرار دختران (پژوهش دوره کارشناسی ارشد).

ریحانی، طاهره (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی آموزش مؤلفه های هوش هیجانی بر سلامت روان دختران فراری شهر تهران. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

زرگر، فاطمه؛ پورکمالی، طاهره؛ مرادی، اعظم؛ زرگر، علی (۱۳۸۸). مقایسه عملکرد خانواده دختران اقدام کننده به فرار از منزل با گروه شاهد در شهر اصفهان. تحقیقات علوم رفتاری، ۱۷(۱)، ۶۹-۷۴. بازیابی از [http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J\\_pdf/47613881308.pdf](http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/47613881308.pdf)

زواره ای، فاطمه (۱۳۸۰). بررسی علل خانوادگی، اجتماعی فرار دختران (۲۰-۱۴ سال) از منزل. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.

شاکری سیاوشانی، منصوره (۱۳۸۶). مقایسه نیمرخ روانی دختران فراری ۱۴ الی ۲۰ ساله شهر تهران با گروه عادی. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن.

شورای اجتماعی کشور (۱۳۸۶). گزارش وضعیت کودک آزاری در ایران. تهران: دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی، معاونت امور اجتماعی سازمان بهزیستی.

طهرانی زاده، مریم (۱۳۸۴). آبان و آذر). مدرنیسم و تجاوز جنسی به محارم در خانواده. حوراء، شماره ۱۷. بازیابی از <http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/6432/6446/73686>

نقوی، اعظم؛ فاتحی زاده، مریم؛ عابدی، محمدرضا (۱۳۸۴). بررسی پدیده کودک آزاری و آثار عاطفی و شخصیتی آن بر نوجوانان دختر شهر اصفهان. مجله روان شناسی و علوم تربیتی، ۳۵(۲)، ۱۸۷-۲۲۱. بازیابی از <http://journals.ut.ac.ir/page/download-O3dF40RDRSs.artdl>

علیایی‌زند، شهین (۱۳۸۴). سوءاستفاده جنسی از کودکان، اشکال و طبقات آن (گزارش نشست گروه جامعه‌شناسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۵ دی ۱۳۸۴). بازیابی از [www.isa.org.ir/session-report/3014](http://www.isa.org.ir/session-report/3014)

مدنی (قهفرخی)، سعید (۱۳۸۳). بررسی وضعیت کودک‌آزاری در ایران. تهران: اکنون.  
 صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) (تهیه‌کننده) (۱۳۸۶). تربیت بدون خشونت (کودک‌آزاری از نظر فقه شیعه). تهران: یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد).

#### منابع انگلیسی:

- Annata, J. L. (2009). *Saving 200 runaway girls from prostitution*.
- Crespi, T. D., & Sabatelli, R. M. (1993). Adolescent Runaways and Family Strife: A Conflict-Induced Differentiation Framework. *Adolescence*, 28(112), 867. Abstract retrieved from <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/8266840>
- Al-Faifi, A. (2009). Why Do Girls Run Away. *Saudi Gazette, Saturday, 24 January 2009*. Retrieved from <http://www.saudigazette.com.sa/index.cfm?method=home.regcon&contentid=2009012427505>
- Khong, L. Y. L. (2009). Runaway Youths in Singapore: Exploring Demographics, Motivations, and Environments. *Children and Youth Services Review*, 31(1), 125-139. <http://dx.doi.org/10.1016/j.childyouth.2008.07.005>
- Stein, J. A., Milburn, N. G., Zane, J. I., & Rotheram-Borus, M. J. (2009). Paternal and Maternal Influences on Problem Behaviors among Homeless and Runaway Youth. *American Journal of Orthopsychiatry*, 79(1), 39-50. <http://dx.doi.org/10.1037/a0015411>

Archive of SID